

سخنان آیت اله مکارم شیرازی در همایش بین الملل تشیع و خاور شناسان

حضرت آیت اله در سخنرانی خود مطالبی در رابطه با اسلام و مسائل اجتماعی مطرح کرده اند که بسیار حائز اهمیت می باشند. به نظر من وقت آن رسیده است که توجه بیشتری به سخنان آیات عظام بشود. چون سخنان آنان معمولاً چند پهلوی و نا مفهوم ادا می شوند، به آنها این امکان را می دهد که سخنان خود را مطابق شرایط زمان و مکان بطور دلخواه تعبیر و تفسیر کنند. در رابطه با سخنان ایشان در همایش بین الملل تشیع و خاور شناسان چند سؤال مطرح است که اگر به آنها جواب داده شود بیشتر با نظریات ایشان آشنا خواهیم شد. انگیزه من از طرح این سوالات اظهارات ضد و نقیض ایشان در دو سخنرانی و در یک ماه است.

آیت اله در پاسخ به یکی از مقلدینش که درباره تفکرات اکبر گنجی استفتا کرده بود به نقل از سایت "شیعه نیوز" چنین فتوا می دهد:

<http://shia-news.com/fa/pages/?cid=10123>

"...هرگاه ثابت شود کسی این گونه سخنان را گفته است به یقین مرتد است و از نظر علمای اسلام پاک نمی باشد. البته نباید این گونه سخنان کفر آمیز را نشر داد و نشر آن مسئولیت آفرین است مگر این که قبلاً به وسیله خود آن گویندگان منتشر شده باشد و خبرگزاری بخواهد توجه به تهیه جواب آن بدهد. ما جواب شبهاتی مانند شبهه فرد مزبور درباره امام زمان(ع) را در کتاب حکومت جهانی مهدی(ع) داده ایم ولی بدانید این افراد از طرز سخنانشان پیداست که مغرض هستند و پاسخ به درد آنها نمی خورد."

گنجی چه گفته بود که این چنین مورد بی مهری قرار گرفته است؟

"هر دینی دارای گزاره‌های صدق و کذب بردار است. اما آیا این گزاره‌ها اثبات پذیرند؟ بسیاری از فیلسوفان گزاره‌های دینی را اثبات ناپذیر (خرد گریز) تلقی می کنند. به عنوان نمونه، ابوعلی سینا می‌گفت معاد را نمی‌توان با دلایل عقلی اثبات کرد."

"آیا ایمان‌گرایی پروژه‌ای قابل دفاع است؟ ایمان‌گرایان، معلوم نیست بر چه مبنایی یک آنین را بر آنین دیگر ترجیح می دهند. وقتی دلیل و استدلال ناممکن و نامطلوب است، چرا بجای تعبد و ایمان به اسلام، به "تثلیث" نباید تعبد و ایمان داشت؟ چرا نباید ایمان داشت که عیسیای ناصری تاریخی به معنای حقیقی کلمه خدا بود؟ مگر مسیح نمی گفت: "هرکه مرا ببیند، خدای پدر را دیده است" (یوحنا، ۱۴: ۹) و "من و پدرم خدا، یکی هستیم" (یوحنا ۱۰: ۳۰)؟"

"ایمان گرایان نیستند، مخاطب ما کسانی هستند که از عقلانیت آموزه های دینی دفاع می کنند و به دنبال عقلانی کردن باورهای دینی اند."

اما از طرف دیگر آیت اله در سخنان خود در همایش ذکر شده اسلام را دین "منطق، استدلال و گفتار" معرفی می کند.

<http://www.isna.ir/ISNA/newsview.aspx?ID=News-1220932&lang=P>

آیا نباید این سؤال برای هر خواننده ای مطرح شود که چگونه اکبر گنجی مسلمان معتقد و انقلابی فقط به خاطر ابراز عقیده مرتد اعلام می شود؟ البته حکم مرتد را از نظر روحانیون می دانیم و چه سرنوشتی در انتظار فردی است که مرتد اعلام شده را می شناسیم. این فتوا در واقع اعلام "مهدور الدم" بودن نامبرده است. آیا مسئله ارتداد و مرتد خود قابل بحث نیست؟

آیا اینگونه اظهارات هیچگونه همخوانی با "منطق" و عقل و "استدلال و گفتار" و مدارا دارد؟

آیت اله می فرماید: "اسلام دین منطقه‌یی، قومی و نژادی نیست بلکه مربوط به تمام جهان بشریت است." در اینجا ظاهراً اظهار نظر آیت اله در تضاد با آیاتی از کلام اله مجید در رابطه با منطقه و قوم است:

سوره المائده ۵ آیه ۴۸: "برای هر گروهی از شما شریعت و روشی نهادیم. و اگر خدا می‌خواست همه شما را يك امت می‌ساخت." [ترجمه آیتی]

سوره الانعام ۶ آیه ۹۱: "این است کتابی مبارك که نازل کرده‌ایم، تصدیق کننده چیزی است که پیش از آن نازل شده است. تا با آن مردم امّ القری و مردم اطرافش را بیم دهی."

سوره ابراهیم ۱۴ آیه ۴: "هر امتی را پیامبری بود و چون پیامبرشان بیامد کارها میانشان به عدالت فیصله یافت و مورد ستم واقع نشدند."

سوره النحل ۱۶ آیه ۳۶: "به میان هر ملتی پیامبری مبعوث کردیم، که خدا را بپرستید و از بت دوری جوید."

سوره الزمر ۳۹ آیه ۷۱: "و کافران را گروه گروه به جهنم برانند. چون به جهنم رسند درهایش گشوده شود و نگهبانان آتش گویند: آیا پیامبرانی از خود شما بر شما مبعوث نشدند تا آیات پروردگارتان را برایتان بخوانند و شما را از دیدار با چنین روزی بترسانند؟ می‌گویند: بلی. ولی، بر کافران عذاب محقق شده بود."

سوره الشوری ۴۲ آیه ۷: "و نیز این قرآن را به زبان عربی بر تو وحی کردیم تا امّ القری و ساکنان اطرافش را بیم دهی. همچنین آنان را از روز قیامت- که در آن تردیدی نیست- بترسانی که گروهی در بهشتند و گروهی در آتش سوزان."

سوره الزخرف ۴۳ آیه ۳: "ما این کتاب را قرآنی عربی قرار دادیم، باشد که به عقل دریابید."

آیات یاد شده گویای آن است که شریعت اسلام برای منطقه ای در شبه جزیره عربستان بوده و حتی نه برای همه عربستان تا چه رسد به کشورهای همسایه. اگر حضرت آیت اله آیات دیگری را در زمینه جهانی بودن اسلام می شناسند مرقوم بفرمایند.

در دوران رسول اله حد اقل سه نفر دیگر ادعای نبوت داشتند: مسیلمه از قبیله بنی حنیفه، عنس معروف به اسود عنس از یمن و زنی به نام سجاح از قبیله بنی تمیم. این مدعیان نبوت به ابتکار و زیرکی ابو بکر و در طول یک سلسله جنگها به نام جنگهای رده از سر راه برداشته شدند و اسلام هم بر عربستان حاکم شد.

در دوران شاه اسماعیل صفوی چگونه ایران شیعه شد آیت اله خود خوب می دانند. آنچه مشخص است از "منطق، استدلال و گفتمان" خبری نبوده است. آنچه در کار بوده زور و اجبار توسط خنجر و شمشیر قزلباشان صفوی بوده است.

آیت اله "حکم اعدام و ریختن خون مسلمانان" را "بیگانه با اسلام" و کار عده ای وهابی عربستان سعودی می نامد و مجدداً اسلام را "دین منطق، استدلال و گفتمان" معرفی می کند. آیا این همه احکام اعدام در ایران، اذیت و آزار سنی ها، درویش، روحانیونی که برداشت دیگری از اسلام دارند ("ضد ولایت فقیه"، "غیر خودی")، بهائیان، یهودیان و ارامنه را کار چه گروهی می دانند؟ آیا اگر شخصی با برداشت عده ای معمم موافق نبود و خواست در حل مشکلات از عقل خود استفاده کند، مرتکب جرمی شده است؟

آیت اله اشاره به "سه تحول بزرگ اسلامی اخیر در جهان (انقلاب اسلامی، پیروزی حزب الله و شکست اسرائیل و روی کار آمدن حکومت شیعی در عراق)" می فرمایند. آیا خرابی لبنان و به قتل رسیدن صد ها لبنانی پیروزی بوده است جای سؤال دارد. اگر شما به سخنان روحانیون لبنانی مانند مفتی شهر صور به نام علی الامین گوش فرا دهید به نتیجه دیگری می رسید. در مسئله عراق جمهوری اسلامی هشت سال با عراق در جنگ بود، شعار هائی که روحانیون دادند و نتیجه ای که نصیب ملت ایران شد امروزه بر کسی پوشیده نیست. آنکه شیعه را در عراق موقتاً به قدرت رساند آمریکای به اصطلاح شما جهان خوار بود و این علامت خوبی برای شیعیان نیست. کمک های کشور های کفار و در رأس آنها آمریکا به جنبش های اسلامی گمان ندارم که بر حضرت آیت اله پوشیده باشد.

در مطلبی دیگر می فرمایند: "گوش شنوا برای شنیدن اسلام در دنیا زیاد است." اما چگونگی این گوش شنوا را نادیده می انگارند. جهت یاد آوری خاطر شریف عرض می کنم: این گوش شنوا نه از صدای مؤذن و پیام اسلام که از جنایات طالبان و بمب گذاران و گروگان گیران و پرچم سوزان و تهدید به قتل کنان و فتوای مهدور الدم خواندن مخالفان پیدا شده است. ای کاش چنین نمی شد.

متأسفانه اگر سروش ها، گنجی ها، اشکوری ها، کدیور ها و شبستری هابخواهند چهره مردم پسندی از اسلام به مردم ارائه دهند مرتد و مهدور الدم خوانده می شوند. تنها اینها هستند که در این دوران می توانند چهره قابل قبولی از اسلام ارائه دهند. و الا قاسم الجبارین خواندن پروردگار و کشتن مخالفین موجب پیدا شدن گوش شنوا برای اسلام نخواهد شد.

آیا حضرت آیت اله می توانند فقط یک نمونه تفکر عقلانی در ۵۰۰ سال گذشته نشان بدهند که روحانیون سنتی در جامعه مطرح کرده اند؟ آیا یک کاشف در دنیای اسلام پیدا شده که کوچکترین خدمتی به بشریت کرده باشد؟ این روحانیون خورد و کلان با استفاده از منابع بی کران اوقاف و پولهای که به عنوان سهم امام دریافت کرده اند چه خدمت فکری و علمی انجام داده اند؟ از حوزه

های باصطلاح علمی قم، نجف، مشهد و اصفهان چه نظر فلسفی یا علمی بیرون آمده؟ تمام نیروی روحانیون صرف حجاب است، کیان اسلام وابسته به حجاب است. برای شناخت اوضاع علمی کشورهای اسلامی نگاهی به تحقیقاتی که در این زمینه انجام شده اند می اندازیم.

کشور اسلامی پاکستان با ۱۸۰ میلیون جمعیت در چه روزگاری است؟ پاکستان، اگر کشورهای اروپایی به کمک او نروند باید ورشکستگی خود را اعلام کند. این کشور که از همه کشورهای دیگر اسلامی تر است. (آنها حتی در مدرسه یاد می گیرند که سیم هدی برق است "اگر خدا بخواهد" و اکسیژن و هیدرژن وقتی مخلوط می شوند اگر خدا بخواهد آب تولید می شود.) به مصر نگاه کنید دارای چه تمدنی بود و چه فرهنگی داشت. از زمانی که اسلام در آن کشور حاکم شد به چه روزی افتاد. وضع ایران اسف بار تر شد.

در اینجا با توجه به آمار، وضع کشورهای اسلامی را مورد بررسی قرار می دهیم. تولید ناخالص ملی ۵۷ کشور اسلامی کمتر از ۲ تریلیون دلار است. در حالی که تولید ناخالص هندوستان به اصطلاح "بت پرست" ۳ تریلیارد دلار است. فقیرترین کشورهای جهان مانند اتیوپی، سری لانکا، سیرا لنون، افغانستان، سومالی، نیجریه، پاکستان، موزامبیک، و... اکثر فقیرترین کشورهای جهان دول اسلامی است. باید در نظر داشت که ۲ تریلیون دلار کشورهای اسلامی بخش بزرگی از آن پول باد آورده نفت است که به تولیدات ملی ربطی ندارد.

در جمع برای ۱,۵ میلیارد مسلمان کمتر از ۶۰۰ دانشگاه وجود دارد. در حالیکه تنها در هندوستان ۸۴۰۷ دانشگاه وجود دارد. از جمعیت مسلمانان حد اقل ۸۰۰ میلیون نفر بی سواد هستند. از این جمعیت در ۱۵۰ سال گذشته ۳ نفر موفق به دریافت جایزه نوبل شده اند. آنها هم در کشورهای انگلیس و آمریکا متولد شده فقط نام فامیل آنها عربی بوده است. در حالی که از ۱۴ میلیون یهودی ۱۶۷ نفر برنده جایزه نوبل بوده اند. به قول آقای فرخ سلیم خبر نگار پاکستانی:

"در برابر هر یهودی در دنیا، یکصد نفر مسلمان وجود دارد. با اینحال یهودیان بیشتر از یکصد برابر قدرتمندتر از تمام مسلمانان هستند. آیا هرگز متعجب نشده‌اید که چرا؟ عیسی ناصری یهودی بود. آلبرت اینشتین، بانفوذترین و تأثیرگذارترین دانشمند تمام دوران و «مرد قرن» به انتخاب مجله تایم، یک یهودی بود. زیگموند فروید، پدر روانکاوی یک یهودی بود. به همین ترتیب کارل مارکس، پل سامونلسون و میلتنون فریدمن. اینها عده دیگری از یهودیانی هستند که حاصل خرد و روشنفکریشان، به تمام بشریت رسیده است:

بنجامین روبین سرنگ واکسیناسیون را به بشر ارزانی داشت. یوناس سالک اولین واکسن فلج اطفال را تهیه کرد. آلبرت ساین واکسن فلج اطفال مؤثر و بهبود یافته را تهیه کرد. گرتروید الیون، داروی مبارزه با سرطان خون را به ما هدیه کرد. باروخ بلومبرگ، واکسیناسیون هیپاتیت بی را مهیا کرد. پل الریخ، درمان سیفیلیس را کشف کرد (سیفیلیس: یک بیماری مسری جنسی). الی مچنیکوف، یک جایزه نوبل را در بیماریهای عفونی بدست آورد. برنارد کاتز، یک جایزه نوبل را در انتقال عصبی-عضلانی کسب کرد. آندرو شالی، برنده جایزه نوبل در غدد ترشح کننده داخلی شد (اختلال سامانه غدد درون ریز؛ دیابت، پرکاری تیروئید). آرون بک، درمان شناختی را کشف کرد (روان درمانی برای معالجه اختلالات روانی، افسردگی و فوبیا). گرگوری پینکاس، اولین قرص ضد حاملگی خوراکی را تهیه کرد. جورج والد، یک جایزه نوبل به خاطر پیشبرد دانش و ادراک ما از چشم انسان، کسب کرد. استنلی کوهن، برنده یک جایزه نوبل در جنین شناسی (مطالعه جنینها و رشد آنها) شد. ویلم کولف، با ماشین دیالیز کلیه مطرح شد."

ضمناً باید آقای نیوتن پدر فیزیک مدرن را هم به این لیست اضافه کرد.

در برابر این دانشمندان آیات عظام و حجج اسلام با نوشتن توضیح المسائل به حل کدام مشکل جامعه پرداختند؟ آنان را می شناسیم و با تعجب نگاه می کنیم که در چه زمینه هائی تحقیقات کرده اند. چرا مسلمانان از نظر علمی و عقلی عقب مانده، از نظر مالی تهی دست و فقیرمانده اند؟ باید در این زمینه فکر کنید و برای نجات از عقب ماندگی و فقر مالی و فکری و فرهنگی راهی بیابید.

با نجس نامیدن غیر مسلمان مهدور الدم نامیدن دگر اندیشان راه شما به نا کجا آباد تاریخ است. اگر علاقمند به رشد و آگاهی و رفاه مردم مسلمان هستید امکان تحصیل علوم مدرن را برای جوانان آماده کنید. و ضامن بهشت و دوزخ آنها نباشید.

اهدنا الصراط المستقیم.

ابو الفضل هفتتنی،

۱۱ آذر ۱۳۸۷ مطابق ۲ ذی الحجه ۱۴۲۹